




Campaign for Resource Mobilization by Women in the Constitutional Movement to Establish the Meli Bank

Somayeh Sadat Shafiei¹ 

1. Department of Historical, Theoretical and Religious Sociology, Faculty of Social Studies, Institute of Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran. E-mail: ss.shafiei@ihcs.ac.ir

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:

Received: 08 May 2022

Received in revised form: 27

July 2022

Accepted: 04 October 2022

Published online: 11 April 2023

Keywords:

Social movement, Agency,
Women, collective action

ABSTRACT

This article examines the women's campaign in this mobilization, concentrating on the popular fundraising campaign to establish the Meli Bank following the Constitutional Revolution. Regarding the historical sociology approach, the research is founded on the resource mobilization theory of Charles Tilly.

Therefore, in the first stage, the concepts and variables of Tilly's theory are introduced, and then they are defined with reference to historical texts, such as books, the press, and women's texts and writings. Methodologically, the study employs document analysis to provide concrete examples of the women's fundraising campaign for the establishment of Bank Meli.

The interest of women's organizations in the form of national independence motivations that confronts the politics of foreign colonial states is explained. Women's associations, meetings, and the mobilization of utilitarian or normative resources are discussed. The research concludes with an explanation of the opportunities and threats, as well as the form of mobilization.

The collection of reliable and unprecedented data on women's agency is one of the research's innovations. The women's campaign to establish Bank Meli demonstrates their acute awareness of the contemporary sociopolitical climate, their capacity to mobilize, and their agency in collective actions, which is a recurring theme in modern Iranian history.

Cite this article: Shafiei, S. S. (2023). Campaign for Resource Mobilization by Women in the Constitutional Movement to Establish the Meli Bank. *Quarterly of Social Studies in Iran*, 12 (1), 171-186.
<https://doi.org/10.22059/jisr.2023.342720.1303>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jisr.2023.342720.1303>



کارزار زنان برای بسیج منابع در جنبش مشروطه خواهانه تأسیس بانک ملی

سمیه سادات شفیعی^۱

۱. گروه جامعه‌شناسی تاریخی، نظری و ادیان، پژوهشکده مطالعات اجتماعی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران رایانامه: ss.shafiei@ihcs.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	مقاله حاضر با تمرکز بر جنبش مردمی جمع‌آوری اعانه برایتأسیس بانک ملی پس از انقلاب مشروطه، کارزار زنان در این بسیج‌گری را بررسی کرده است. پرسش محوری دربارهٔ چگونگی فرایند بسیج زنان برای تأسیس بانک ملی است. رهیافت کلی پژوهش جامعه‌شناسی تاریخی است که با استناد به مدل بسیج تیلی میسر شده است.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۲/۱۸	در گام نخست، مفاهیم و متغیرهای نظریهٔ تیلی معرفی و تعریف شده است و در گام بعد و با ارجاع به متون تاریخی، اعم از کتب، مطبوعات و نیز متون و مکتوبات زن‌نوشته به روش تحلیل اسنادی، مصادیق روشنی از مؤلفه‌های کارزار زنان در جمع‌آوری اعانه برای تأسیس بانک ملی ارائه شده است.
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۵/۲۶	در این مطالعه، منافع گروه‌های زنان در قالب انگیزه‌های استقلال‌طلبانه ملی و قطع وابستگی به دول استعماری خارجی در شکل تأسیس نهاد مدرن و مستقل مالی، سازمان، مشتمل بر انجمن‌ها، هیئت‌ها و گردهمایی‌های زنان و بسیج منابع فایده‌مندانه و هنجاری در تحلیل چگونگی فرایند بسیج معرفی و تحلیل می‌شود و درنهایت پژوهش به توضیح فرصت‌ها و تهدیدات و نیز نوع بسیج در این خصوص می‌پردازد.
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۷/۱۲	گردآوری داده‌های معتبر و البته بی‌سابقه از عاملیت زنان در تاریخ معاصر ایران از جمله نوآوری‌های این پژوهش است. کارزار زنان برای تأسیس بانک ملی نشان از سطح بالایی آگاهی‌شان از موقوع سیاسی-اجتماعی روز، توان بسیج‌گری و نیز عاملیت ایشان در کنش‌های جمعی دارد که تاریخ معاصر ایران بسیار به خود دیده است.
تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۱/۲۲	
کلیدواژه‌ها: جنبش اجتماعی، کنش جمعی، عاملیت، زنان، مشروطه	

استناد: شفیعی، سمیه‌السادات (۱۴۰۲). کارزار زنان برای بسیج منابع در جنبش مشروطه خواهانه تأسیس بانک ملی. *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۱۲(۱)، ۱۷۱-۱۸۶.

<https://doi.org/10.22059/jisr.2023.342720.1303>



ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. © نویسندگان.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jisr.2023.342720.1303>

۱. مقدمه و طرح مسئله

تصور قالبی از زنان در دوران گذشته معطوف به کنشگری آنان در عرصه خصوصی و به‌ویژه عهده‌داری نقش زایش و والدگری فرزندان است. این تصور کمتر با مشارکت‌های اجتماعی آنان و نیز پیدایی و مرادواتشان در حوزه عمومی قرابت دارد و تاریخ گذشته را تاریخی یک‌دست و مرتبط با پرده‌نشینی زنان می‌پندارد. پرده‌نشینی زنان به‌سبب تلازم با نقش‌های مادری و همسری در خوانش‌های علمی-تخصصی و نیز تاریخ‌نگارانه مسلط از سوی مردان، اصولاً بدیهی و کم‌ارزش تلقی می‌شود و فرهنگی را متبادر می‌کند که زنان را منفعل می‌داند. هرچند متون تاریخی گاهی مردنگاشته است، گاه با گزارش وضعیت زنان، موجبات انعکاسی متفاوت از ماهیت زندگی اجتماعی آنان را میسر می‌کنند. براین‌اساس شناسایی عاملیت کنشگران زن و روشن‌شدن ابعاد مشارکت اجتماعی زنان در تاریخ معاصر ایران یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های ذهنی محقق است که با تمرکز بر مطالعات متون تاریخی و به‌ویژه در قالب برنامه مطالعاتی با رصد و تحلیل متون زن‌نوشته پی گرفته شده است. مسئله اصلی این است که برخلاف تصور قالبی از نقش اجتماعی زنان در عرصه خصوصی، داده‌های مستندی وجود دارد که کنشگری آنان را در حوزه عمومی و در قالب کنش جمعی و ناشی از سطح بالای آگاهی آنان گزارش داده است و این کنش‌ها را در کلیت امر برای جامعه ایران حیاتی و سرنوشت‌ساز برمی‌شمرد. روشن‌شدن ماهیت میدان کنش و نیز ویژگی‌های کنش داوطلبانه زنان علاوه بر پرتوافکنی بر بخش تاریک و ناشناخته ماقوع، به فراهم‌آوردن شالوده علمی برای مطالعات نظام‌مند درباره تغییرات اجتماعی، مناسبات جنسیت و نیز ماهیت نقش‌های اجتماعی و انتظارات نقش کمک فراوانی می‌کند؛ بنابراین مسئله تحقیق در نگاهی بلندمدت فراهم‌کردن مبنایی مستند برای شناسایی وضعیت زنان در گذشته و رصد تغییرات اجتماعی است که نقش‌های اجتماعی زنان، رابطه دو جنس و در نتیجه نظم جنسیتی در آستانه سده حاضر به خود دیده است. حال آنکه امروزه به‌طور عمومی و با غفلت یا ناآگاهی از فراز و فرودها تنها به تصورات قالبی و تاریک ارجاع داده و واماندگی و انفعال به زنان نسبت داده می‌شود. همچنین این مطالعات در برآورد آگاهی زنان به‌مثابه کنشگران سیاسی- اجتماعی و تبارشناسی محافل، انجمن‌ها و گردهمایی آنان که شاکله جنبش اجتماعی زنان است، سودمند است.

در این راستا باید گفت تاریخ معاصر ایران مشحون از حرکت‌های استقلال‌طلبانه ملی است که در پیرامون جنبش مشروطه جان گرفت و با بسیج نیروهای اجتماعی، توان بسیج اجتماعی سیاسی را هم به رخ دول استعماری کشید و هم برای کنشگران ظرفیت‌های بی‌سابقه‌ای را عیان کرد. از جمله بروز و نمود عاملیت زنان به‌عنوان گروه‌های فرودست که از وقایع روز بی‌اطلاع دانسته شدند و ارزش‌ها، انگیزه‌ها و آرمان‌هایشان نادیده گرفته و ظرفیت‌ها و پتانسیل‌هایشان چندان جدی گرفته نمی‌شد. موضوع استقلال مالی از پیش از مشروطه از جمله موضوعات مهمی بود که وجه نظر ترقی‌خواهان وطن‌پرست قرار داشت. آنان بانک وطنی را به‌منزله نهاد تبادل مالی و نیز پشتوانه اقتصادی کشور بسیار لازم می‌دانستند و در نتیجه در صدر مطالبات خود به تأسیس آن نظر داشتند. درحقیقت تجار روشن‌بین و روشنفکران منتقد وابستگی با درک رویه استعمارگونه و مداخله‌جویانه دول روس و انگلیس در امور داخلی ایران موضوع تداوم استقراض را مانع مهمی برای استقلال می‌شمردند و ادامه فعالیت بانک روس و بانک شاهنشاهی را از نظر تأمین اعتبار، عاملی بازدارنده در خودکفایی می‌دانستند. آنان با تأکید بر اهمیت توقف استقراض مجدد و بازپرداخت دیون پیشین، موضوع تأسیس بانک ملی را با حساسیت فراوان دنبال می‌کردند و در اولین دوره تشکیل مجلس شورای ملی آن را به‌منزله مطالبه‌ای جدی مطرح می‌کردند.

به همین موازات، طرح موضوع از سوی رسانه‌های رایج از جمله نشریات معروفی چون ندای وطن و جبل‌المتین در سپهر عمومی بازتاب یافت. اطلاع‌رسانی مستقیم درباره نداشتن منابع لازم به‌عنوان پشتوانه تأسیس بانک و ضرورت مشارکت عمومی در قالب اعانه

ملی، جامعه را در تب و تاب تازه‌ای برای تحقق آرمان‌های مشروطه قرار داد. زنان از جمله مهم‌ترین گروه‌های اجتماعی بودند که با درک شرایط داخلی و اهمیت موضوع به حمایت از این حرکت مردمی پرداختند و با صرف سرمایه‌های خود در نمایش عزم ملی برای تأسیس بانک وطنی مشارکت کردند، اما این مشارکت بخشی از جنبش مشروطه‌خواهی ایران در سطور کتاب‌های تاریخی گم شد و هرگز آن‌چنان که رخ داد مدنظر قرار نگرفت. این امر تا اندازه‌ای به ماهیت تاریخ‌نگاری مردانه، نرخ بالای بی‌سوادی زنان در آن مقطع و در نتیجه قلت خودنگاره‌نویسی و روایت زنانه از مواقع و نیز کم‌اهمیت‌دانستن ماهیت و چگونگی کنش زنان بازمی‌گردد، اما به مدد اسناد به‌جامانده و متون تاریخی مربوط می‌توان اهمیت مشارکت زنان در بسیج منابع برای تأسیس بانک ملی را هم نزد ایشان و هم در فرایند کلی تأمین اعتبار نشان داد. به‌علاوه درک این موقعیت مترقی زنان در کلیت امر دلالت بر تحولات اجتماعی آگاهی‌بخشی دارد که ملازم جنبش مشروطه‌خواهی بوده و مناسبات جنسیتی را به شکل بی‌سابقه‌ای تغییر داده است. همچنین به‌نظر می‌رسد مشارکت زنان در جمع‌آوری اعانه به‌کمک برگزاری کارزارهای جمعی به‌منظور بسیج منابع، تمرینی برای کنشگری در جنبش اجتماعی زنان در معنای اخص خود نیز بوده است که با تولد مدارس زنان، مطبوعات زنان و انجمن‌های زنان تشکیل‌یابی کنشگری آنان در قرن پیش رو و نیز هویت‌بخشی به زن مدرن ایرانی را به‌دنبال داشته است.

مروری بر پیشینه تحقیق نشان می‌دهد در تحقیقاتی که با تمرکز بر مشروطه -چه در حوزه تاریخی و چه در حوزه علوم سیاسی یا رویکردهای میان‌رشته‌ای- با کلیدواژگانی چون انقلاب مشروطه، مشروطیت، نهضت مشروطه و نیز جنبش مشروطه انجام شده و نتایج آن در قالب مقالات علمی-پژوهشی منتشر شده است، به کنشگری زنان کمتر توجه شده یا در پرداخت‌های کلی از گروه‌های اجتماعی به زنان نیز اشاره شده است. از سوی دیگر هرچند به موضوع جنبش زنان و پویای فمینیستی در مقالات تحقیقاتی چمنی، حسنی و سلیم (۱۳۹۹)، چمنی، حسنی و سلیم (۱۴۰۰)، عطارزاده و مصفا (۱۳۸۴)، لرستانی (۱۳۸۲)، شریفی (۱۴۰۱)، کاشانی (۲۰۰۵) و مک‌الون (۲۰۰۵) پرداخته شده، در هیچ‌کدام موضوع مشارکت زنان در جمع‌آوری اعانه ملی مدنظر قرار نگرفته است. حتی کتاب پرارجاجی مانند *جنبش حقوق زنان در ایران* تألیف ساناساریان نیز به‌طور گذرا از این موضوع عبور کرده است؛ بنابراین با توجه به نبود مطالعه مستقل و نیز علاقه محقق به بررسی جامعه‌شناختی نقش اجتماعی سیاسی زنان در تاریخ معاصر ایران شایسته است این موضوع مهجور و البته مهم براساس مستندات و اسناد تاریخی به‌شکلی روشمند بررسی شود.

بی‌شک تحلیل نظام‌مند کنش جمعی زنان نیازمند نظریات علوم اجتماعی و در اینجا جامعه‌شناسی سیاسی است که با تعریف موضوع و تنویر مختصات آن به روشن‌شدن مؤلفه‌ها و سنخ‌شناسی بسیج کمک کند. به‌نظر می‌رسد آن‌چنان‌که در ادبیات نظری آمده است، نظریه تیلی نیز به لحاظ جامعیت، ارتباط و نیز ارجاعات پژوهشی مختلف سودمندی‌های لازم را برای این مهم دارد. براین‌اساس و با درک اهمیت موضوع پرسش این است که کارزار زنان برای بسیج منابع در جنبش مشروطه‌خواهانه تأسیس بانک ملی براساس نظریه تیلی چه مؤلفه‌هایی دارد. براساس این نظریه و با توجه به شواهد موضوع کنش جمعی مذکور چه نوع بسیجی را به‌دنبال داشته است و فرصت‌ها و تهدیدهای این بسیج کدام‌اند. این مطالعه به‌منزله بخشی از مطالعات کلان به‌منظور درک بهتر مشارکت اجتماعی زنان در تاریخ معاصر ایران انجام شده است. همچنین در پی‌بند سایر بخش‌ها برحسب دوره تاریخی، تصویر همه‌جانبه‌تری از کنش داوطلبانه و اثربخش آنان در حیات اجتماعی جامعه ایران به‌دست داده است.

۲. تأملات نظری

در جامعه‌شناسی سیاسی تعاریف مختلفی از جنبش اجتماعی ارائه شده است، اما در این پژوهش برای تحلیل بهتر جنبش از الگوی بسیج سیاسی تیلی بهره بردیم که در تحلیل طیف متنوعی از کنش‌های جمعی -از جنبش گرفته تا انقلاب- مرجع قرار گرفته است؛

بنابراین این امر مفروض است که سازمان جنبش به‌طور بالقوه می‌تواند با فرایندهای سیاسی وسیع‌تری پیوند یابد. در عین حال به بیان نش «هرچند نظریه تیلی در قاموس نظریات بسیج منابع مطرح شده است، اما به‌جای توجه به سازمان‌های حرفه‌ای به‌عنوان شرط ضروری بسیج جنبش اجتماعی، این مزیت را دارا است که توجه خود را به توسعه مقاومت در محیط‌های توده‌ای معطوف ساخته است» (نش، ۱۳۸۴: ۱۵۱). تیلی در مباحث خود هم به مدل بسیج و هم انواع آن توجه دارد. در معرفی مدل بسیج درباره سه متغیر کلیدی منافع، سازمان و بسیج منابع محور بحث شده است.

منافع: انواع خواسته‌ها، اهداف، امتیازها و دستاوردهای مشترکی که در نتیجه کنش متقابل یک جمعیت یا جمعیت دیگر می‌تواند برای اعضای آن جمعیت حاصل شود، منافع نام دارد.

سازمان: سازمان با آگاهی اعضا یا بخشی از آن‌ها به منافع تشکل می‌یابد و این آگاهی شبکه‌ای از روابط را ایجاد می‌کند. هر چه آگاهی و تعهد اعضای یک گروه به منافع جمعی گروه بیشتر باشد، احتمال ایجاد سازمان بیشتر خواهد بود. اندازه و کیفیت سازمان، توان بسیج آن را مشخص می‌کند. هر چه سازمانی باکیفیت‌تر و به لحاظ جغرافیایی دربرگیرنده سطح بیشتری باشد توان بسیج آن بیشتر خواهد بود (پناهی، ۱۳۸۹: ۳۴۲-۳۴۰).

بسیج منابع: این متغیر نیز به معنای کوشش برای دستیابی به هر منبعی است که گروه مدعی برای پیشبرد عمل جمعی خود ضروری بداند. «بسیج به میزان منابع تحت اختیار یک گروه مدعی اطلاق می‌شود. به‌عنوان یک فرایند، بسیج به افزایش منابع و درجه اختیار یک گروه بر منابع گفته می‌شود» (پناهی، ۱۳۸۹: ۳۳۸). منابع شامل منابع اجبارآمیز مانند سلاح، نیروهای مسلح و فناوری‌های کنترل‌کننده، منابع فایده‌مند مانند کالا، خدمات اطلاع‌رسانی و پول، منابع هنجاری مانند وفاداری‌ها و تکالیف یعنی تعهدات اعضای از جمعیت در قبال دیگر اعضای گروه، خود گروه و آرمان‌های آن است (تیلی، ۱۳۸۵: ۱۰۵).

کنش جمعی: این متغیر به میزان عمل مشترک اعضای یک گروه مدعی برای به‌دست‌آوردن اهداف مشترک اطلاق می‌شود. کنش جمعی همان عمل مشترک جمعی است (تیلی، ۱۳۸۵: ۸۰-۸۴ به نقل از پناهی، ۱۳۸۹: ۳۳۸). توان گروه برای کنش جمعی بسته به میزان و مقدار منابع است.

انواع بسیج: عبارت است از تلاش گروه‌ها برای دراختیارگرفتن منابع فوق که شامل موارد زیر است:

بسیج تدافعی: تهدیدی از خارج اعضای یک گروه را وادار می‌کند منابع خود را برای جنگ با دشمن گرد هم آورند تا منافع خود را حفظ کنند. نمونه‌های این نوع بسیج شورش‌های مربوط به غذا، شورش‌های مالیاتی، تهاجم به کشتزارها و مقاومت در برابر لوایح قانونی است.

بسیج تهاجمی: در این بسیج سازمان در واکنش به فرصت‌های پیش‌آمده به جمع‌آوری منابع می‌پردازد تا به منافع جدیدی دست یابد. نمونه بسیج تهاجمی، موفقیت مؤسسه کاتولیک اوکانل در گسترش اجباری حقوق کاتولیک‌های انگلیسی و ایرلندی است.

بسیج تدارکاتی: سازمان با پیش‌بینی فرصت‌ها و تهدیدهای آینده به انباشت و ذخیره‌سازی منابع می‌پردازد. نمونه این نوع بسیج، اتحادیه‌های کارگری در قرن نوزدهم در اروپا بودند که برای ایام سختی (از قبیل بیکاری، درگذشت نان‌آور خانواده یا از میان رفتن دستمزد طی دوره اعتصاب) صندوق پولی را تدارک دیده بودند (تیلی، ۱۳۸۵: ۱۱۱-۱۱۳).

تا اینجای بحث با ظرفیت موجود درون‌گروهی برای اقدام آشنا شدیم، اما موفقیت هر کنش جمعی در گروی مواردی چون سرکوب، تسهیل، قدرت و فرصت تهدید است.

سرکوب و تسهیل: سرکوب هرگونه کنشی از سوی گروه دیگر است که هزینه کنش جمعی مدعی را افزایش می‌دهد. کنشی که هزینه کنش جمعی یک گروه را کاهش دهد، شکلی از تسهیل است (تیلی، ۱۳۸۵: ۱۵۰). قدرت هر حزب «عبارت است از میزان غلبه یافتن منافع آن حزب بر دیگر احزابی که با آن‌ها تعارض دارد» (همان: ۱۷۱).

فرصت و تهدید: فرصت عبارت است از شرایطی که در آن منافع گروه مدعی قدرت مفروض در عین وجود منافع متعارض با آن تحقق می‌یابد. تهدید عبارت است از وجود شرایطی که در آن با بودن ادعاهای سایر گروه‌های رقیب، امکان تحقق منافع گروه مفروض کاهش می‌یابد (همان: ۱۹۶).

حال که با متغیرهای متقدم و متأخر تیلی در بحث کنش جمعی آشنا شدیم، با رجوع به داده‌های تاریخی، شواهدی دال بر مشارکت زنان در کنش جمعی جمع‌آوری اعانه ملی به منظور تأسیس بانک ملی ارائه داده‌ایم.

۳. تأملات روشی

روش پژوهش حاضر تحلیل کیفی اسناد و متون تاریخی است. به‌علاوه با روش قیاسی و به‌کمک مدل بسیج چارلز تیلی مؤلفه‌های بسیج منابع احصا شده‌اند و با استفاده از متون تاریخی مؤلفه‌های مذکور درباره کنش جمعی بسیج منابع برای تأسیس بانک ملی شناسایی شده‌اند. داده‌ها شامل کتب، مقاله‌ها و متون مطبوعاتی است. در جریان تحلیل سند، شواهد تاریخی از منابع مستندی مانند کتاب، مقالات، آرشیو اسناد و غیره تهیه و برحسب ویژگی کنش جمعی و شاخص‌های مستخرج از مدل نظری بسیج تیلی تحلیل کیفی شد.

۳. یافته‌های تحقیق

۳-۱. مؤلفه‌های بسیج منابع در جنبش مشروطه‌خواهان تأسیس بانک ملی

الف) منافع: چارلز تیلی برای شناسایی منافع در میان جمعیت‌ها و گروه‌های مختلف در یک کنش جمعی انقلابی دو گزینه را مشخص می‌کند: «اول: اظهارات و کنش‌های خود جمعیت؛ دوم: تحلیل کلی از روابط میان منافع و موقعیت‌های اجتماعی آن‌ها» (تیلی، ۱۳۸۵: ۹۲). چنان‌که از اسناد برمی‌آید کنش جمعی زنان به‌دنبال درک اهمیت استقلال مالی و جلوگیری از استقراض خارجی و همچنین بازپرداخت قروض قبلی شکل گرفت که تحقق آن به بهترین وجه در شکل تأسیس بانک ملی تلقی شد. این امر از مطالبات متقدم مشروطه‌خواهان به‌شمار می‌رفت و برای عمومیت یافتن آن از سوی مشروطه‌خواهان آگاهی‌بخشی شد. در مجلس اول شورای ملی، فکر تأسیس بانک ملی به‌منزله یک مطالبه جمعی مطرح شد. درحقیقت اولین خواست دولت بعد از پیروزی مشروطه، تقاضای وام از خارجه بود. مجلس تازه‌تأسیس با این خواست موافقت نکرد و این امر موجب رویارویی دولت و مجلس شد. مردم و تجار کوشیدند با جمع‌آوری پول و تأسیس بانک ملی، از اقدام دولت برای دریافت وام از روسیه و انگلیس ممانعت کنند. در این حرکت جمعی و عمومی، زنان به یاری مجلس شتافتند تا کشور را از دام وابستگی به بیگانگان برهانند.

بررسی خاستگاه موضوع نشان می‌دهد فکر تأسیس بانک ملی از پیش از مشروطه نیز از دغدغه‌های تجار بود. با طرح این موضوع در مجلس شورای ملی، گروه‌های نسبتاً وسیعی از اقشار مختلف و از جمله گروهی از صاحبان ثروت عهده‌دار پرداخت سرمایه اولیه بانک شدند. محیط فانی اذعان می‌کند: «عموم اهالی حتی مخدرات محترمه به صدا آمدند که ما حاضریم از مال خود مجاناً به دولت داده که از اجانب قرض نشود» (شاهدی، ۱۳۰۰: ۴۲ به نقل از محیط فانی، ۱۳۶۳: ۲۰۱). نشریات نیز با انعکاس اهمیت این امر موجب

آگاهی‌رسانی و بسیج منابع شدند (از جمله نگاه کنید به جبل‌المتین، ۷ شعبان ۱۳۲۵). امامی می‌نویسد: «تقاضای دولت مشیرالدوله از مجلس شورای ملی در ۲۲ رمضان ۱۳۲۴ ه. ق. / ۱۰ نوامبر ۱۹۰۶ م. برای تصویب قرارداد استقراض از بیگانگان و مخالفت نمایندگان با آن موجب شد طرح تأسیس بانک ملی ایران از سوی برخی نمایندگان به مجلس شورای ملی ارائه شود و به تصویب برسد. با انتشار این خبر ملت غیور ایران... بلا تأمل به هیجان آمدند و در تهران در منابر و مساجد مردان و بیوه‌زنان به فریاد آمدند، اظهار نظر کردند که ما لباس، فرش، مخلفات زندگی خود را فروخته و بلاعوض به دولت داده، راضی نخواهیم شد که دوباره از خارجه قرض کند». او نقل می‌کند: «مسئله تأسیس بانک ملی با روندی نامطلوب پیش می‌رفت، گرچه مساعی سترگی برای گردآوری سرمایه لازم از طریق اعانه انجام گرفت. حدود یک‌صد تن از افراد هریک پنج هزار تومان مساعدت کردند؛ درحالی که پاره‌ای دیگر مبلغی حتی بیشتر تا خود ۳۰ هزار تومان اعانه دادند. مردم فقیر هم یاری کردند. طلاب کتب خود را و زنان زیورآلاتشان را برای حمایت بانک ملی فروختند. تنها در تهران یک میلیون تومان گردآوری گردید؛ درحالی که تبریز هم قول یک میلیون تومان دیگر از طرف خود و ایالت آذربایجان را داده بود، اما شاه موافقت با تأسیس بانک را مشروط به دریافت یک وام فوری دو میلیون تومانی کرد؛ درحالی که بانک‌های روس و انگلیس هم مشکلات و دشواری‌های دیگری در راه تأسیس بانک می‌آفریدند و تا آنجا که میسر بود می‌کوشیدند کسب پول برای این بانک را دشوار و نایاب کنند؛ زیرا بنا به اقوال بر آن بودند که اگر بانک ملی با سرمایه شش میلیون تومان تأسیس شود، آنان دیر یا زود کسب و کار خود را از دست داده و مجبور به کناره‌گیری به نفع این بانک خواهند شد» (براون، ۱۳۷۶: ۱۳۸).

انگیزه‌ها و ارزش‌ها، شناسایی منافع کنشگران زن بررسی ارزش‌های کنشگران زن اعانه‌دهنده به‌مثابه پویندگان جنبش اجتماعی براساس گزارش‌های خود ابرازشده آنان حاوی نکات مهمی است و برای ما انگیزه یا انگیزه‌های اصلی آنان یا به عبارت تیلی منافع آنان را می‌سازد. به نظر می‌رسد وطن‌پرستی عمده‌ترین ارزش رایج میان این زنان است و آنان با باور به حفظ تمامیت ارضی کشور و استقلال آن برای ممانعت از استقراض بیشتر از دول خارجی و اتکا به منابع داخلی گام برداشته‌اند.

در ایران نو، سال ۱، ش ۱۴۸، ۲۲ صفر ۱۳۲۸ قدر مطلبی با عنوان «باز حمیت زنان!» به قلم نجم‌السلطنه می‌خوانیم: «چندی است که روزنامه‌های ملی و ناطقیت غیور وطن از ضررهای استقراض خارجی مقاله‌ها نوشته و در محافل و مجالس دادها زده و برای رفع احتیاجات فوری دولت استمداد از داخله می‌نمایند. این فقره مسلم از بدیهیات است که استقراض حالیه با آن شرایط مشکل از همسایه‌ها درحقیقت متضمن اضمحلال مملکت و اسارت ابنای وطن است و آخرالامر هم باید این قرض را اصلاً و فرعاً اهل این مملکت بدهند؛ پس علاج واقعه پیش از وقوع باید کرد. فعلاً بر هر فردی از افراد ملت لازم و واجب است که به هر ترتیب پیشرفت دارند. در این موقع باریک با دولت در رفع احتیاجات فعلی و ضروری کمک نموده نگذارند که برای چهار و پنج کرور دولت مجبور به استقراض جدید از خارجه بشود. همان قرض‌های خانه‌برانداز سابق برای ایران و ایرانیان کافی است» (باغدار دلگشا، ۱۳۹۵: ۹۸).

در صورت‌لایحه دیگری که در ش ۱۵۷ ایران نو به تاریخ ۴ ربیع‌الاول ۱۳۲۸ به قلم عصمت منتشر شده آمده است: «حضور مبارک خواهران وطنی و همشیره‌های نوعی عرضه می‌دارم، مقصود از این مزاحمت و اجتماع آن است که الحال کشتی مملکت ما ایرانی‌ها دچار امواج مخالف شده باید اکنون دست اتفاق و اتحاد از مرد و زن به یکدیگر داده و این کشتی طوفان‌زده را به ساحل نجات برسانیم و دشمن خارجه را با اتحاد و اتفاق معنوی از مملکت خود که خانه ما ایرانیان است خارج نمائیم و برای این مقصود مقدس و حفظ استقلال مملکت پول لازم است که باید هریک از ماها به قدر وسع و امکان کمک نمائیم تا با آن پول دولت بتواند قشون منظمی مرتب نموده و استقلال وطن مقدس را حفظ نماید و اگر چنانچه در این باب کوتاهی کنیم و از اقدام بنشینیم تاریخ عالم به ما نشان می‌دهد هر ملتی که غیرت وطن‌پرستی و ملیت نداشته باشد، مملکتشان زوال یافته و استقلالشان را از دست داده‌اند،

دارایی و قومیت ایشان عصمت و ناموس آنان مذاهب و ایمان ایشان به باد فنا رفته است؛ چرا به واسطه آن که داشتن تمام آن‌ها بسته به استقلال مملکت است» (باغدار دلگشا، ۱۳۹۵: ۱۰۵).

بی‌بی تبریزی در مکتوبش در آغاز ۱۳۲۸ می‌نویسد: «دیروز هم باز در نمره ۱۸۷ ایران نو^۱ دیدم. در صفحه دوم در ستون اول شرحی با {عنوان} «نسوان ایران از ایرانیان چه می‌خواهند؟» نوشته است؛ جگر سوخته بنده را دوباره آتش زد. بنده در جواب «ایران از ایرانیان چه می‌خواهند؟» عرض می‌کنم که ایران با آواز بلند فریاد می‌زند که اولاددار شدن من، دارالشوری ملی است. باید به داد من برسید، دوی درد بی‌درمان مرا بدهد. به جهت اینکه زحمت اول مرا شما کشیدید و شما را درباره من گلوله‌باران کردند و اولادهای رشید و باغیرت من در توی مجلس گرفتار شدند و دم گلوله رفتند و خانه‌شان به باد فنا رفته است. حالا من از شما دوا می‌خواهم. باید از دست شما دوا بخورم؛ نه، از {دست} کس دگر نباید بخورم. دوی درد من هم مشکلی نیست، آسان است... دوی من این است: چند کرور بلیط چاپ کرده، خودتان نقشه را در دست گرفته، به آواز بلند بگویید: ای فرزندان رشید ایران بیایید به مادر خود دوا بدهید که مشرف به موت است. بنده که نمی‌دانم در شهر تهران چند محله است، در هر محله یک مجلس به پا کنید؛ قرار بگذارید که اهل آن محله پول را آورده {و بلیط} بگیرند یا اینکه تمام اهل شهر به مجلس بیاورند. ای فرزند من، آن وقت خواهید دید که دوی درد من آسان بوده است. با گفت‌وگو و مریض‌داری نمی‌شود کسی را هم {که} عقب دوا می‌فرستند، باید نگذارند که به خیال خود برود؛ باید جهد کرد که فوراً دوا را حاضر بکنند و به مریض بدهید که معالجه بشود، نه اینکه وقت معالجه بگذرد. وقتی هم {که} دوا را به مریض نرسانند درد مریض عود کرده، دگر معالجه نمی‌پذیرد و آن وقت پشیمانی سودی ندارد. ای فرزند، جد {و} جهد کن که من از دست نرفته باشم، آن وقت هم می‌ترسم که دشمنان نگذارند که به سر خاکم می‌باشد... من اولاد زیاد دارم، آیا شما اولاد عزیز من هستید؟ قدر مرا بدان...» (ترکچی و ططری، ۱۳۹۰: ۷۵).

همان‌طور که روشن است وجود عقیده مشترک و وطن‌پرستی موجب شکل‌گیری هویت مایی در میان زنان کنشگر اعانه‌دهنده شده و آنان را به بازنگری در نیل به ارزش‌های فردگرایانه و تأمین منفعت فردی سوق داده است. تکرار تعبیر دردمندی ایران در شرایط نبود نهاد سامان‌مند مالی ملی و دست‌دراز کردن به سوی اجنبی در طلب استقراض برای کنشگران زن مهم‌ترین محوری است که موجب گردهمایی آنان می‌شود و کنش جمعی آنان را براساس ارزش‌های ملی‌گرایانه مشترک هماهنگ و همسو کرده است. در نامه بی‌بی تبریزی این دردمندی جدی، عاجل و مهلک بیان شده و ما را با مختصات روح جمعی و همبستگی که مهم‌ترین مؤلفه جنبش اجتماعی آنان است آشنا می‌کند. در عین حال تلقی وطن به منزله مادر در مکتوب بی‌بی تبریزی در امتداد ارزش‌های اخلاق مراقبت زنانه، تعهد به مراقبت از وطن را متذکر می‌شود.

در این راستا، مخالفت با استقراض خارجی همسو با جریان مشروطه‌خواهی و تعارض با خواسته دولت در این امر تعارض این جنبش مردمی را در سطح سیستمی نشان می‌دهد. کارشکنی‌های دول خارجی آن‌چنان که به‌طور مبسوط آمد نشان‌دهنده اهمیت موضوع، عزم ملی در جهت آن و میزان بسیج منابع است.

ب) سازمان: سازمان‌دهی فعالیت‌های سیاسی در شکل احزاب و نهادها یا گروه‌های سازمان‌یافته در ایران، با نهضت مشروطه و تأسیس مجلس شورای ملی عجین است. با اندکی مذاقه درمی‌یابیم در بزنگاه تحقق این نهضت برای نخستین بار احزاب، انجمن‌ها یا نهادهای سیاسی به صورت رسمی تشکیل یافتند و با مرام و منش‌های خاص خود برای رسیدن به مقاصدشان اقداماتی را سازمان دادند؛ بنابراین در مبارزات مشروطه احزابی چون اتفاق و ترقی ترکیه در ایران وجود نداشت تا رهبری انقلاب را

^۱. احتمالاً این شماره در تاریخ ۲۵ ربیع الاول ۱۳۲۸ معادل با ۱۶ فروردین ۱۳۲۸ منتشر شده است.

به دست بگیرند. تنها تعدادی انجمن‌های مخفی وجود داشتند که زمان پیدایی آن‌ها به اواخر سلطنت ناصرالدین شاه و اوایل زمامداری مظفرالدین شاه بازمی‌گشت (اتحادیه، ۱۳۶۱: ۵۳). اگرچه برخی از آن‌ها دارای مرامنامه و تشکیلات تا حدی منظم بودند، نام یک سازمان یا تشکل سیاسی همچون نهادهای سیاسی مدرن را نمی‌توان بر آنان گذارد؛ زیرا این انجمن‌ها از ایدئولوژی خاصی پیروی نمی‌کردند (لمبتون، ۱۳۴۵: ۷۳). در دهه قبل از انقلاب مشروطه، انواع جمعیت‌های سیاسی و فرهنگی در ایران تشکیل شد که ایده‌های اولیه اصلاحات و حکومت مشروطه برای نخستین بار در این جمعیت‌ها مطرح شد؛ مدارس جدید، کتابخانه‌های عمومی و اتحادیه‌های تاجران نمونه‌هایی از این مجامع به‌شمار می‌روند (آفاری، ۱۳۷۹: ۶۳). فرهادی و همکاران (۱۳۹۳) بر این اساس و با توجه به تعریف تیلی از سازمان و اقدامات آن در یک کنش جمعی، در مشروطه سه سازمان یا جمعیت شامل جامع آدمیت، انجمن ملی (کمیته انقلابی) و انجمن مخفی را تا حد زیادی به این تعریف نزدیک تشخیص داده‌اند.

زنان نیز به فراخور و با توجه به تفکیک جنسیتی شدید فضا کوشیدند با تشکیل جلسات و انجمن‌های زنانه برای آرمان‌های جنبش مشروطیت به کنش جمعی خود را سامان و سازمان‌های غیررسمی خود را تشکیل دهند و در اینجا به فراخوان مشروطه‌خواهان برای جمع‌آوری اعانه مجدانه پاسخ دهند. انجمن‌های زنانه خود محمل جمع‌آوری اعانه و درحقیقت سازمان‌دهی کنش جمعی بود. در ایران نو، سال ۱، ش ۱۵۳، ۲۷ صفر ۱۳۲۸ آمده است: «ما هیئت نسوان تهران اصالتاً از طرف خود و وکالتاً از طرف عموم نسوان مملکت ایران بنا به تکلیف ملیت خود عرض می‌کنیم برای قبول همه نوع فرمان فرمایشات صادره از مجلس مقدس از دادن اعانه و قرض یا قبول هر نوع عوارض با کمال شوق و افتخار حاضریم، ولی برای قبول یک دینار قرض به شوری که خردلی ضرر به استقلال ملیت ما زند حاضر نخواهیم بود» (باغدار دلگشا، ۱۳۹۵: ۱۰۲).

در کنار انجمن‌ها یکی از مهم‌ترین سازوکارهای جمع‌آوری اعانه، تشکیل جلسات و دوره‌های زنانه بود. «تا زمانی که زنان آزادی‌خواه و مشروطه‌طلب به میدان نیامدند، روند تأسیس بانک ملی به‌کندی پیش می‌رفت. در این زمان، زنان مشروطه‌خواه با حمایت و مشارکت خود از طریق تشکیل میتینگ‌ها، انتشار بیانیه‌ها و مقالات، زنان و مردان جامعه را به جنب و جوش درآوردند و نقش بسیار مهم و بارزشی در این زمینه ایفا نمودند» (امامی، ۱۳۹۰: ۷۳).

در این نشست‌ها موضوع مطرح شد و از شرکت‌کنندگان برحسب تمکن مالی و تمایل به مشارکت انتظار می‌رفت مبلغی یا کالای ذی‌قیمتی اهدا کنند. در پایان لیست اعانات به همراه نام اهداکننده ثبت و چنان‌که دیدیم در مطبوعات انعکاس می‌یافت. اعضای شرکت‌کننده در جلسات گاه به‌واسطه پایگاه شغلی در کنار هم گرد آمدند و گاه به‌سبب آشنایی‌های مستقیم و غیرمستقیم به جلسه دعوت می‌شدند. در جلساتی که اعضا باسواد بودند و تحصیلات قابل‌قبولی داشتند، هریک می‌توانستند با قرائت متنی مخاطبان را از انگیزه، هدف و موارد اهدایی آگاه کنند. چنان‌که در جلسه هفتم هیئت اجتماعی نسوان طهران در عباس‌آباد که در تاریخ ۲۷ شهر صفر تشکیل و اعلان آن در روزنامه ایران نو، سال ۱، ش ۱۵۷، ۴ ربیع‌الاول ۱۳۲۸ ق. منتشر شد می‌خوانیم: «در این جلسه غالب مدیران مدارس نسوان با شاگردان خود حضور داشتند و هریک لایحه درخصوص اعانه و همراهی با دولت برای امورات خیریه و تشکیل ادارات و تجهیز قشون قرائت نمودند. من جمله یکی از خانم‌های محترمه لایحه ذیل را با کمال فصاحت و بلاغت قرائت نمودند که اثر قریبی در حاضرین بخشید که صدای احسنت و آفرین و پاینده باد مشروطه از تمام حضار بلند شد و تمام حاضرین حتی‌المقدور برای کمک و همراهی و دادن اعانه حاضر شدند و صورت اسامی اهانه‌دهندگان از قرار ذیل بعرض می‌رسد» (باغدار دلگشا، ۱۳۹۵: ۱۰۳-۱۰۵) درخصوص جلسه‌ای که در مدرسه خواتین از سوی هیئت نسوان تهران برگزار شد، به‌جز مدیر مدرسه صورت شرکت‌کنندگان نشان از عهده‌داری نقش اجتماعی زنان در عرصه خصوصی دارد (ایران نو، سال ۱، ش ۱۵۳، ۲۷ صفر ۱۳۲۸). نامه بی‌بی تبریزی نیز که در همین دوره زمانی منتشر شده است به نشست‌های انجمن خواتین اشاره دارد: «این بنده هر وقت که در بابت

استقراض در روزنامه ایران نو می‌خوانم، مثل شخصی که عزیزش را کشته و نعش او را هم در پیش روی مادرش بگذارند، به آن‌طور دیوانه‌وار می‌شوم. چند وقت بود که طایفه نسوان، انجمن خواتین از برای خواهرهای دینی خود به پا می‌کردند. هر وقت بنده شنیدم که جایی انجمن هست، فوری می‌رفتم که بدانم دربارهٔ وطن عزیزمان چه می‌کنند. آیا یک دوا از برای درد بی‌درمان وطن می‌سازند که به درد بخورد یا نه؟ در یک پاره مجلسی‌ها به اندازهٔ قوه دوی درد در روی کاغذ می‌گذارند، یعنی پول باشد» (ترکچی و ططری، ۱۳۹۰: ۷۵).

این جلسات به شبکهٔ اجتماعی زنان کمک می‌کرد تا خواسته‌های خود برای حمایت از مشروطه‌خواهی را مطرح و مدون کنند، به عاملیت خود انسجام بخشند و برای یارگیری‌ها و بسیج بیش‌ازپیش نیروهایشان گام بردارند؛ بنابراین هم موجب چرخش منابع و به‌ویژه در اینجا به‌طور اخص منابع مادی می‌شد و هم شبکهٔ تعاملات آنان را قوام می‌بخشید و از این نظر موجب تقویت جنبش اجتماعی بود که زنان در آن نقش مهمی داشتند.

ج) بسیج منابع: کنشگران زن در جریان کارزار خود برای بسیج منابع برای تأسیس بانک ملی از منابعی کمک گرفتند. به‌جز منابع اجبارآمیز مانند اسلحه که از اساس در این نوع کنش جمعی اجبار جایی نداشته و برای جمع‌آوری اعانه به‌کار نرفته و نیز رویارویی فیزیکی با منابع تهدید از جمله عمال دول خارجی صورت نگرفته است، اما زنان از منابع هنجاری و نیز فایده‌مندان برای بسیج بهره گرفتند.

دربارهٔ منابع هنجاری شامل وفاداری‌ها و تکالیف باید گفت چنان‌که روایات زنان به‌کرات نشان می‌دهد آنانی که به ماهیت کنش جمعی و اهداف آن پی بردند، متعهدانه برای نیل به اهداف کوشیدند. از جمله میزان تعهد کنشگران زن را می‌توان در نامهٔ بی‌بی تبریزی یا سایر مکتوبات زنان در مطبوعاتی مانند ایران نو دید. وصف احوال پر تب و تاب آنان در ترغیب خوانندگان به حمایت از کنش جمعی جمع‌آوری اعانه سرشار از شور و هیجان برای بذل هر آنچه در توان دارند برای نجات و استقلال وطن است. منابع فایده‌مندان لیست مفصلی دارد و عبارت است از انواع اعانه‌هایی که زنان برای کنش جمعی تأسیس بانک ملی اهدا کردند. اعانه‌های زنان در وهلهٔ نخست شامل پول بود، اما در عین حال مواردی از اشیای ذی‌قیمت مانند زیورآلات طلا، جواهر و ساعت را هم دربرمی‌گرفت. پارچهٔ لباسی و چادری به مقدار قابل توجه و نیز پارچه‌های گران‌قیمت به‌ویژه پارچهٔ زربافت از جمله دیگر کالاهای اهدایی زنان بود. فهرست گزارش‌شده زنان از انواع اعانه‌های پرداختی به‌طور مشروح در نشریات انتشار یافته است. از جمله در ایران نو ش ۱۵۳، ۲۷ صفر ۱۳۲۸ می‌خوانیم: «فعلاً صورت یک فقره اعانه که جمع‌آوری شده به ادارهٔ ایران نو فرستاده و درج آن را خواستاریم تا چه کند همت والای و کلا و وزرای مملکت برای ترتیب استقراض داخلی. خانم حاجی علی حاجی حبیب ۱۵ ت، مدیره مدرسهٔ خواتین ۱۵ ت، ملوس خانم صبیبه اسد نظام یک حلقه انگشتر الماس، ماه سلطان خانم عیال مرحوم آقا میرزا اسدالله ارومیه که دو پارچه زیور یکی را امروز و پارچه دیگرش را جلسه بعد خواهند داد، قلابه الماس یک قطعه، کوب خانم الگوی طلا شش مثقال و نیم وزن، خانم کوچک خانم حاجی میرزا صالح معین التجار ۱۵ ت، فرنگیس خانم خانم آقا شیخ حسن توتون فروش ۵ ت، حاجی خانم خانم حاجی میرزا محمدابراهیم ۳ ت، شمس النهار خانم اکبر آقا رئیس چراغ برق انگشتر الماس حلقه، ربابه خانم صبیبه مشهدی ابوتراب چلو پز ۱ ت، صدیق الملوک صبیبه حاجی امین دربار ۵ ت، خانم ارباب ۵ ت، زهرا خانم همشیره حاجی محمد اسماعیل قزوینی ۲۵ ت، توران خانم ۳ ت، زرین تاج خانم ۱۵ ت، عزیزخانم ۵ ت، خانم حاجی میرزا محمود معروف به امینی ۳۵ ت، خانم حاجی غفور آقای تاجر ۴۵ ت، خانم مخصوص همشیره آقا میرزا عبدالرحیم ارباب یک توپ نیم‌تنه و چادر نماز، عزیز آقا خانم آقا میرزا عبدالرحیم ارباب یک توپ نیم‌تنه و چادر نماز، زهرا خانم دختر آقا سید حسن نقاش ۵ قران، فاطمه خانم والده آقا میرزا سیف‌الله یک لیره، گوهر خانم ۱ ت، خانم بنان الملک

۴ ت، حاجی خانم حاجی عزیز زنجانی ۲۵ ت، خانم حاجی رحمن ۱ ت، گلین خانم مهدی قاسم توتون فروش ۵ ت، گوهر باجی کلفت ارباب است حقوق خود را به خانم خود حواله کرده ۵ ق، خانم آقای حاجی میرزا یحیی ۱۵ ت، خانم حاجی میرزا حسن تاجر ۳۵ ت، صبیبه حاجی میرزا محمدعلی ۵ ت، قمر خانم خانم علیرضا خان انگشتر الماس یک حلقه، خاتون خادمه مدرسه دو قران، مه مه خانم خادمه اکبر آقا ۱ قران، صفیه خانم صبیبه حاجی محمدتقی بنکدار ۱ ت» (باغدار دلگشا، ۱۳۹۵: ۱۰۰-۱۰۲).

و در شماره ۱۵۷ از همین نشریه مورخ ۴ ربیع‌الاول ۱۳۲۸ صورت اعانه‌دهندگان آمده است: «معصومه خانم عیال مرحوم آقا شیخ محمدکاظم مازندرانی ۵ تومان سلطان خانم عیال مرحوم میرزا اسدالله ارومیه یک حلقه انگشتر دو نگین لعل و الماس، عیال حاجی میرزا عبدالله زنجانی النگوی طلا سه مثقال، فرنگیس خانم صبیبه آقا میرزا اسدالله ارومیه انگشتر فیروزه حلقه، خانم‌بزرگ والده آقا میرزا سیف‌الله ۱۰۰ تومان، زری خدمتکار خانه حاجی میرزا عبدالله یک تومان، خدیجه سلطان عیال مشهدی حسین کفش دوز یک تومان، صبیبه ممتحن الدوله ده منات طلا، زیور خانم عیال آقا میرزا اسماعیل ساعت طلا به قیمت ۱۲ تومان، فاطمه خانم عیال آقا میرعلی صراف پنج تومان، معصومه خانم عیال آقا شیخ علی دو تومان، فاطمه خانم صبیبه حاجی فرج‌الله یک تومان، خانم افضل پنج تومان، کوب خانم عیال آقا میرزا باقر کاشانی النگوی طلا، صبیبه حاجی محمدحسن مرحوم سه تومان، آقا میرزا محمدآقا ولد مرحوم آقا میرزا اسدالله پسر ده‌ساله ماه سلطان خانم شاگرد مدرسه فضیلت ده تومان، خانم گلین ده تومان، خانم صبیبه خانم گلین پنج تومان، قمر خانم صبیبه خانم گلین ده تومان» (همان، ۱۰۳-۱۰۵).

چنین گزارش‌هایی از انواع اعانه ما را علاوه‌بر سنخ‌شناسی با میزان اعانه زنان آشنا می‌کند. همان‌طور که می‌بینیم به لحاظ فراوانی بیشتر مبلغ نقدی ثبت‌شده ۱۰۰ تومان از سوی یک نفر و کمترین آن ۱ تومان بوده است.

۲-۳. کارزار زنان در جمع‌آوری اعانه ملی؛ بسیج تدافعی در پرتوی فرصت اجتماعی سیاسی جنبش مشروطه

الف) نوع بسیج: تجار و بازرگانان مهم‌ترین کنشگران جریان مشروطه‌خواهی هستند که به‌درستی از اهداف و اغراض تهدیدآمیز دول روس و انگلیس برای حفظ مطامع استعماری در تداوم وابستگی مالی ایران آگاه شدند و موضوع بازپرداخت دیون، تأسیس بانک ملی و نبود استقراض خارجی را به‌منزله مطالبه‌ای مهم مطرح و دنبال کردند. زنان در این کنش جمعی به‌مثابه بخشی از جنبش مشروطه‌خواهی با اهدای منابع شخصی مشارکت کردند تا برای دفاع از استقلال کشور و نظام سیاسی-اجتماعی در برابر اقدامات مداخله‌جویانه روس و انگلیس برآیند؛ بنابراین در میان انواع بسیج، موضوع کنش جمعی برای جمع‌آوری اعانه ملی از سوی زنان کنشگر بسیج تدافعی علیه استقراض خارجی تلقی شده است.

ب) فرصت: موضوع بحران اقتصادی که پس از دوره ناصری جامعه ایران با آن مواجه و با تورم تصاعدی معیشت روزمره مردم را با دشواری‌هایی روبه‌رو کرده بود و بازشدن فضای سیاسی-اجتماعی کشور پس از کشته‌شدن ناصرالدین‌شاه فرصتی بی‌نظیر برای فراخوان عمومی همه اقشار جامعه به کنش جمعی فراهم آورد (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۹۶). زنان با درک فرصت به‌دست‌آمده ناشی از فضای پرشور پیروزی انقلاب مشروطه، بازشدن عرصه مشارکت اجتماعی و تشکیل مجلس شورای ملی، به موضوع فراخوان تأسیس بانک ملی با مشارکت در کنش جمعی جمع‌آوری اعانه پاسخ دادند و در آن مشارکت کردند.

۳-۳. سرکوب کنش جمعی تأسیس بانک ملی

موضوع تأسیس بانک ملی به‌منزله یکی از برنامه‌های جنبش مشروطه‌خواهی موضوعی تأمل‌برانگیز است. درواقع در بدو امر فرایند بسیج از سوی مشارکت‌کنندگان مشروطه‌خواه با حکومت نظامی، زندانی و تبعیدکردن مشروطه‌خواهان و نیز محاصره تبریز به‌منزله

اقدامات سرکوبگرانه مواجهه شد، اما به فراخور و در مقاطع بعدی نیز قدرت‌های داخلی و به‌طور اخص در فقرة تأسیس بانک ملی، قدرت‌های خارجی به کارشکنی پرداختند.^۱ از جمله موضوع سرنوشت اعانه‌های جمع‌آوری شده و فکر تأسیس بانک ملی در آن مقطع و به‌دلیل کارشکنی‌های دول روس و انگلیس به‌نوعی سرکوب و معوق ماند.

فشارهای بانک شاهنشاهی برای بازپرداخت وام‌های پیشین، عدم تمکن دولت در پرداخت حقوق سربازان چنان‌که نظمیۀ تهران جهت دریافت حقوق معوقه یک‌ساله خود تظاهراتی انجام داده بود (شاهدی، ۱۳۰۰). از جمله مواردی بود که در واکنش به کنش جمعی برای جمع‌آوری اعانه ملی بروز یافت. شاهدی (همان) از براون (۱۳۳۷) نقل می‌کند: «اشکال‌تراشی‌های دیگری از طرف بانک‌های روس و انگلیس سد راه شد. تا آنجا که در قوه داشتند اشکال کمیابی پول را به میان آوردند. چه معتقد بودند و مسلم بود که اگر بانک ملی با سرمایه شش میلیون تومانی در ایران به‌وجود آید، آن‌ها دیر یا زود کار از دستشان بیرون رفته و مجبور خواهند بود پی کار خود بروند»

مهم‌تر از آن فساد اداری چنان‌که روزنامه ندای وطن با ناامیدی از تأسیس بانک ملی و انتقاد به متمولان و مجریان امر می‌نویسد از جمله دلایل اقتصادی تأسیس‌نشدن بانک ملی در این مقطع بود: «حالا برگردیم به وطن عزیز خودمان: اولاً از صدی پنچ نفر امروز صاحب حس وطن‌پرستی نیستند و علاوه از آنکه ما را در راه حفظ استقلال وطن نمی‌دهند، بلکه استقلال وطن را برای آسودگی شخصی و تحصیل مال تقدیم می‌نمایند. به کدام دلیل، به این دلیل که بزرگان مملکت خودشان را به دول همسایه بسته‌اند و از وابستگی به آن‌ها افتخار می‌کنند و هر روز انتظار می‌کشند که آن‌ها بیایند و این مملکت را اداره کنند. پول‌های خود را صدی سه به بانک‌های خارجه می‌دهند و حاضر نیستند در داخله مملکت از قرار صدی دوازده بدهند» (ندای وطن، س ۲، ش ۲۴۹، ۱۰ ربیع‌الثانی: ۲).

مجموعه این عوامل شرایط بحرانی را رقم زد که هم بازار اقتصادی ایران و هم معیشت روزمره مردم را تحت تأثیر قرار داد. عین‌السلطنه در جلد سوم خاطرات مورخ روز جمعه ۸ شوال ۱۳۲۵ در این باره آورده: «از روزی که هیاهوی تأسیس بانک ملی برخاسته، دو بانک انگلیس و روس قطع معامله کرده و این است که صد دینار پول پیدا نمی‌شود. لیره شش تومان به چهار تومان رسیده و خریدار ندارد، اگر صد تومان هم صبح به بازار بیاید غروب داخل بانک می‌شود و بیرون نمی‌آید. از قرار معلوم، بانک روس سوای طلبی که از دولت دارد، چهل کرور از تجار طلب دارد و زور آورده و مطالبه می‌کند. این است که قحط پول شده و از هر طرف گرفتار فقر شده‌ایم» (عین‌السلطنه: ۱۸۰۷).

البته نمی‌توان همراهی‌نکردن عده‌ای از متصدیان امور در این جریان را به‌منزله یکی از علل ناکامی این کنش جمعی نادیده گرفت. عین‌السلطنه در شرح احوال زمانه به انعکاس این موضع می‌پردازد: «و بدانید تمام این ابتلا و گرفتاری اصلاح امور ممکن نمی‌شود مگر با داشتن پول و پول امروزه برای ما میسر نمی‌شود مگر در صورت یک استقراض کلی و آن هم ممکن نمی‌شود مگر از خارجه و آن عقیده اولیۀ شما که بر ضد استقراض خارجی بود بکلی لغو و غلط [است]. چنانچه بعد از یک سال با آن همه مذاکرات و افتضاحات دیدید بانک ملی تشکیل نشد و نخواهد شد. این است علمی و تجربه‌ای که در این مدت تحصیل شده و ممکن نیست تهیه پول مگر بوسیله استقراض خارجی؛ پس باید جدا و اکیداً در مقام تهیه و تحصیل برآئید و خارجه را مطمئن نمائید قرض بدهند. قرض خارجی هم ننگ نیست و تمام دول معتبره مقروض به دول دیگر هستند و ابدأ سلب اعتبار دولتی آن‌ها را نمی‌کند» (روزنامه خاطرات عین‌السلطنه، ج ۱۸۳۵: ۳).

^۱ نکته قابل توجه آنکه برخی مطالعات تاریخ معاصر ایران صرفاً مداخلات کارشکنانه را به دول خارجی منتسب نمی‌کنند. جوادی (۱۳۹۱) مدعی است رویکرد روس و انگلیس در بازده‌های زمانی مختلف نسبت به اقدامات اصلاحی از جمله و به‌طور اخص در دوره ناصری متفاوت بوده است و ردپای همراهی و مساعدت آنان نیز مشهود است.

جمال‌زاده می‌نویسد: «کار تشکیل بانک ملی در اوایل مشروطه و در طی مذاکرات مجلس به‌زودی رونق زیادی گرفت و عامه مردم از خرد و بزرگ با آن خیال همراهی و مساعدت بسیار به منصفه ظهور رسانیدند... و خیلی جای امید بود که به‌زودی کار بانک [ملی] سر و سامان صحیحی بگیرد، ولی از آنجایی که استحکام کار آن خرابی بانک‌های روس و انگلیس در ایران بود، ایشان درصدد مشکل‌تراشی و ایجاد موانع برآمدند و کار را به جایی رساندند که از بیم آنکه ایرانیان وجوه خود را از بانک‌های آن‌ها درآورده و در بانک ملی بگذارند، در تأدیئه وجوه بنای سختگیری گذاشته و چندان اسباب‌شکنی و وسیله‌تراشی‌های گوناگون نمودند که عاقبت کار بانک ملی سر نگرفت و داغی بر دل ایران‌پرستان بماند» (شاهدی، ۱۳۰۰: ۴۷۹ به نقل از جمال‌زاده، گنج شایگان یا اوضاع اقتصادی ایران: ۱۰۰).

سال‌ها بعد عین‌السلطنه در خاطرات سال ۱۳۳۹ به ناکامی ایرانیان در تأسیس بانک ملی اشاره داشته است و درباره سرنوشت اعانه‌های جمع‌آوری شده می‌نویسد: «ماه دوم و سیم زمین می‌ماند. مگر فکرهای اساسی دیگری در ضمن شده باشد که امروز کسی نمی‌داند و بعدها شاید معلوم شود. نظیر این قبیل اقدامات برای تهیه بانک ملی و قروض روس و غیره در اول مشروطیت شد، هیچ مفید واقع نگردید و همان هم که جمع شده بود بردند، خوردند و حساب آن را کسی ندانست. ایرانی فقیر است، پول و ثروت در این مملکت کم است. باید تهیه پول از خارج نمود. فلاح و معادن و سایر منابع ثروت را دایر کرد، راه کشید. حوائج مردم را کم کرد و آن وقت ملیان‌ها و ملیاردها منافع برد» (روزنامه خاطرات عین‌السلطنه، ج ۸: ۵۹۰۲).

۴. بحث و نتیجه‌گیری

مقاله حاضر با رهیافت جامعه‌شناسی تاریخی به پژوهش اسنادی-تاریخی درباره بسیج منابع برای تأسیس بانک ملی و چگونگی کارزار یکی از مهم‌ترین گروه‌های اجتماعی، یعنی زنان در این باره پرداخته است. گردآوری داده‌های معتبر و البته بی‌سابقه از عاملیت زنان در تاریخ معاصر ایران از جمله نوآوری‌های این پژوهش است. چنان‌که دیدیم مشارکت زنان در جمع‌آوری اعانه با برگزاری کارزارهای جمعی به‌منظور بسیج منابع برای تأسیس بانک ملی براساس مدل نظری بسیج منابع تیلی با مؤلفه‌هایی چون منافع، سازمان و بسیج منابع توضیح‌دادنی و تبیین‌شدنی است. این بسیج در مقابل دشمن مشترک یعنی دولت مستبد و رنجور از فساد سیستماتیک و نیز دول خارجی با سیاست‌ها و اقدامات مداخله‌جویانه شکل یافت و مصرانه پیگیری شد.

ممانعت از تسلط نیروهای خارجی بر حیات اقتصادی ایران و ایجاد نهاد مالی مستقل مهم‌ترین خواسته گروه‌های بسیج‌گر بود. مهم‌ترین مطالبه خودابرازشده کنشگران زن که در مطبوعات و مکتوبات زن‌نوشته انعکاس یافت، جلوگیری از اضمحلال مملکت و اسارت انبای وطن در صورت ادامه استقراض خارجی و حفظ استقلال اقتصادی مملکت بود. کارزار زنان در جمع‌آوری اعانه به‌منظور تأسیس بانک ملی در قالب بسیج منابع با سازمان‌دهی جلسات و انجمن‌ها و گردهمایی‌های زنانه‌ای محقق شد.

به‌منظور تأمین منابع اولیه تأسیس بانک و بازپرداخت دیون خارجی، زنان اقشار مختلف با اهدای پول و سایر اشیای ذی‌قیمت خود تمامی منابع ذی‌قیمت در حد اختیار و توانشان را بسیج کردند. با آنکه گروه‌های متعدد زنان در این امر مشارکت داشتند، براساس مستندات، هیئت نسوان تهران و انجمن خواتین از جمله انجمن‌های زنانه‌ای بود که برای تأسیس بانک ملی به سازمان‌دهی کنشگران و بسیج منابع می‌پرداختند. در عین حال تحقیق حاضر به روال جمع‌آوری اعانه نیز توجه داشت. پرداختن به موضوع روند و روال کارزارهای زنان به‌منظور بسیج منابع، اطلاعاتی درباره سطوح مختلف کنشگران فراهم آورد که بر سرمایه فرهنگی آنان و نیز سرمایه اقتصادی‌شان دلالت داشت و از این نظر مخاطبان را با ظرفیت‌های کنشگران زن پیش از آغاز سده حاضر آشنا می‌کرد. همچنین در کنار منابع فایده‌مندان، به منابع هنجاری از جمله تعهد مشارکت‌کنندگان به اهداف و موضوع کنش جمعی براساس مکتوبات زنان

پرداخته شد. این تعهد وافر و تقلائی وطن‌پرستانه برای استقلال ملی تداعی‌گر اخلاق مراقبت زنانه است که با مهر و عشق به وطن و ابنای آن هر آنچه در توان دارد به کار می‌بندد و به اعتلا و بالندگی آن چشم دارد.

هرچند بسیج جمع‌آوری اعانه به‌منظور تأسیس بانک ملی به دلایلی مانند بحران‌های اقتصادی، فساد دولتمردان و نیز کارشکنی دول روس و انگلیس سرکوب شد و برای مدت مدیدی به تعویق افتاد، به مدد شواهد ارائه‌شده باید مشارکت زنان و کارزارهای آنان برای بسیج منابع را مرحله‌ای از بلوغ سیاسی-اجتماعی گروه‌های زنان دانست، همدلی و همراهی آنان را در نظر داشت و توان آنان برای بسیج‌گری را مهم شمرد. این اهمیت‌بخشی به ریشه‌یابی مستدل مشارکت‌های پررنگ و حضور اثربخش آنان در دیگر کنش‌های جمعی معاصر کمک می‌کند و رد پای روشن آنان را در بزنگاه‌های بسیج نیروها نشان می‌دهد. این امر برای علوم اجتماعی مذكری که گاهی فضا را به‌طور بدیهی مردانه می‌داند و کمتر قائل به کنشگری زنان است، نکته‌هایی برای پژوهش‌های واقع‌بینانه‌تر تاریخی دارد و می‌تواند با نتایج یافته‌های خود، مخاطبان معاصر را بیش‌ازپیش با ظرفیت‌های انسان ایرانی آشنا کند؛ ظرفیت‌هایی اعم از زن و مرد که با وجود بذل هزینه‌های بالای بسیج‌گری همچنان به اهداف ملی‌گرایانه پایبند هستند و در مقاطع حساس تاریخ معاصر ایران نقش‌آفرینی کردند.

به‌علاوه باید گفت کنش زنان در این مقطع حاصل آگاهی و کوشش برای تغییر وضعیت هم‌وطنان و هم‌نوعان بوده است؛ بنابراین در درجه نخست مشارکت آنان در جمع‌آوری اعانه ملی نشان از سطح بالای آگاهی‌شان از موقف سیاسی-اجتماعی روز و نیز عاملیت ایشان در تحقق مشارکت دارد. زنان در این راه با مساعی بسیار کوشیدند با عبور از محدودیت‌ها و کلیشه‌های جنسیتی که تنها حضور و عهده‌داری نقش‌های عرصه خصوصی از سوی آنان را مجاز می‌شمرد، ظرفیت‌های بی‌سابقه مادی و فرامادی خود را به‌منزله کنشگر حوزه عمومی در قبال وطن به منصفه ظهور برسانند و عزت و استقلال وطن را مصرانه در عمل خواستار شوند.

مأخذ مقاله: تألیف مستقل.

۵. منابع

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۷۷). *ایران بین دو انقلاب*، احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی.
- آفاری، ژانت (۱۳۷۹). *انقلاب مشروطه ایران (۱۹۰۶-۱۹۱۱)*، رضا رضایی، تهران: نشر بیستون.
- اتحادیه، منصوره (۱۳۷۱). *پیدایش و تحول احزاب سیاسی مشروطیت (دوره اول و دوم مجلس شورای ملی)*، تهران: گستره.
- امامی، فیض‌الله (۱۳۹۰). نقش زنان در انقلاب مشروطه و تحولات آن، در *زن در تاریخ ایران معاصر*، تهران: کویر.
- باغدار دلگشا، علی (۱۳۹۵). *زن در ایران نو*، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- بامداد، بدرالملوک (بی‌تا). *زن ایرانی از انقلاب مشروطیت تا انقلاب سفید*. تهران: بی‌جا.
- براون، ادوارد (۱۳۳۷). *انقلاب ایران*، ترجمه احمد پژوه، تهران: کانون معرفت.
- براون، ادوارد (۱۳۷۶). *تاریخ مشروطه ایران*، مهری قزوینی، تهران: کویر.
- پناهی، محمدحسین (۱۳۸۹). *نظریه‌های انقلاب*، تهران: سمت.
- ططری، علی و ترکیچی، فاطمه (۱۳۹۰). *اسناد بانوان در دوران مشروطیت (دوره دوم و سوم مجلس شورای ملی)*، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

تیلی، چارلز (۱۳۸۵). *از بسیج تا انقلاب*، علی مرشدی‌زاد، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.

جوادی، ریحانه (۱۳۹۱). درآمدی بر جامعه‌شناسی تاریخی اصلاحات، *فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۱(۳): ۹-۹.

- چمنی‌مقدم، مصطفی، سلیم، محمدنبی، وحسنی، میرزا محمد (۱۳۹۹). بررسی تطبیقی ملی‌گرایی و جنبش زنان در ایران و مصر، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، ۱۵(۷): ۷-۴۷.
- چمنی‌مقدم، مصطفی، سلیم، محمدنبی وحسنی، میرزا محمد (۱۳۹۹). ملی‌گرایی و جنبش زنان در ایران، *پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام*، ۲۹(۴): ۲۱۴-۲۳۹.
- شاهدی، مظفر (۱۳۸۷). تاریخ بانک شاهنشاهی ایران، تهران: پژوهشکده پولی و بانکی.
- شریفی‌ساعی، محمدحسین (۱۴۰۱). جنبش زنان و هنر مقاومت در عصر مشروطه، *فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۱۱(۴۳): ۷۸۹-۸۳۲. <https://doi.org/10.22059/jisr.2022.331739.1246>
- شوستر، مورگان (۱۳۵۱). *اختناق ایران*، ترجمه ابوالحسن موسوی شوشتری، چاپ دوم، تهران: نشر بنگاه مطبوعاتی صفیعلی‌شاه. کسروی، احمد (۱۳۷۳). *تاریخ مشروطه ایران*، چاپ هفدهم، تهران: امیرکبیر.
- کشاورز، عباس و فرهادی، احسان (۱۳۹۰). فرایند بسیج در انقلاب مشروطه ایران، *فصلنامه علوم اجتماعی*، ۱۸(۴۵): ۴۵-۹۴.
- عطارزاده، مجتبی و مصفا، نسرين (۱۳۸۴). جنبش زنان ایران از ایستایی تا پویایی، *مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، ۳(۵): ۱۰۵-۱۲۸. قهرمان میرزا سالور (عین‌السلطنه)، جلد سوم.
- لرستانی، فریبرز (۱۳۸۲). *جنبش زنان ایران*، زن در توسعه و سیاست، ۱(۶): ۲۳-۴۲.
- لمبتون، آ. ک. س. (۱۳۴۵). *انجمن‌های سری در انقلاب مشروطیت ایران*، اسماعیل رائین، تهران: زوار.
- محیط‌فانی، هاشم (۱۳۶۳). *مقدمات مشروطیت: تاریخ انقلاب ایران*، جلد ۱، تهران: فردوسی.
- نش، کیت (۱۳۸۴). *جامعه‌شناسی سیاسی معاصر*، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: کویر.
- یغمایی، اقبال (۱۳۵۷). *شهادت راه آزادی: سید جمال واعظ اصفهانی*، تهران: توس.
- Abrahamian, Y. (1998). *Iran between two revolutions*. Translated by: A.Gul Mohammadi & M.E. Fatahi. Tehran: Ney Publishing. (In Persian)
- Afari, J. (2000). *Iran's Constitutional Revolution (1911-1906)*. Translated by: R. Rezaei. Tehran: Bistun Publishing. (In Persian)
- Attarzadeh, M., & Mosfa, N. (2014). Iranian women's movement from static to dynamic. *Social and Psychological Studies of Women*, 3(7), 105-128. <https://doi.org/10.22051/jwsp.2005.1442> (In Persian)
- BaghdarDelgosha, A. (2015). *Women in New Iran*. Tehran: Roshangan Publications and Women Studies. (In Persian)
- Bammad, Badr al-Maluk (No date). *Iranian women from the constitutional revolution to the white revolution*, 28, weekly. (In Persian)
- Brown, E. (1958). *The Revolution of Iran*, Translated by: A.Pajouh. Tehran: Marafet Center. (In Persian)
- Brown, E. (1997). *Iran's Constitutional History*. Translated by: M.Qazvini. Tehran: Kavir. (In Persian)
- ChamaniMoghadam, M., Hassani, M.M., & Salim, M. N. (2019). A comparative study of nationalism and the women's movement in Iran and Egypt. *Journal of Political Science*, 59, 7-47. (In Persian)
- ChamaniMoghadam, M., Hassani, M.M., Salim, M. N. (2019). Nationalism and women's movement in Iran. *Historical Researches of Iran and Islam*, 15(29), 214-239. <https://doi.org/10.22034/ipsa.2020.406> (In Persian)
- Emami, F. (2011). The role of women in the constitutional revolution and its developments, In *Women in the History of Contemporary Iran*. Tehran: Kavir. (In Persian)
- Javadi, R. (2019). A treatise on the historical sociology of reforms. *Quarterly Journal of Social Studies and Research in Iran*, 1(3), 9-40. https://jisr.ut.ac.ir/article_36561.html (In Persian)

- Kashani-Sabet, F. (2005). Patriotic womanhood: The culture of feminism in modern Iran, 1900-1941, *British Journal of Middle Eastern Studies*, 32(1), 29-46. DOI: [10.1080/135301190500081584](https://doi.org/10.1080/135301190500081584)
- Kasravi, A. (1994). *Constitutional history of Iran* (17th ed.). Tehran: Amir Kabir. (In Persian)
- Keshavarz, A., & Farhadi, E. (2019). Mobilization process in the constitutional revolution of Iran. *Social Science Quarterly*, 18(53), 45-94. (In Persian)
- Hero of Mirza Salur (Ain al-Sultaneh), Vol. 3. (In Persian)
- Lorestani, F. (2012). Iranian Women's Movement. *Women's Research Journal*, 6, 23-42. (In Persian)
- Lambton, A. K. S. (1966). *Secret Societies in Iran's Constitutional Revolution*. Translated by: I. Raïen. Tehran: Zovar Publications. (In Persian)
- McElrone, S. M. (2005). Nineteenth-century Qajar women in the public sphere: An alternative historical and historiographical reading of the roots of Iranian women's activism. *Comparative Studies of South Asia, Africa and the Middle East*, 25(2), 297-317. <https://doi.org/10.1215/1089201X-25-2-297>
- MohitFani, H. (1984). *Preliminaries of Constitutionalism: History of the Iranian Revolution*. Vol. 1. Tehran: Ferdowsi. (In Persian)
- Nash, K. (2004). *Contemporary Political Sociology*. M.T. Delfrooz. Tehran: Kavir. (In Persian)
- Yaghmai, E. (1979). *Martyr of freedom: Seyyed Jamal VaezEsfahani*. Tehran: Tous. (In Persian)
- Etteheadiyeh (NizamMafi), M. (1992). *The emergence and evolution of constitutional political parties, first and second term of the National Council*. Tehran: Gostareh Publishing House. (In Persian)
- Panahi, M.H. (2009). *Theories of revolution, the organization of position*. Tehran: Samt. (In Persian)
- Shahidi, M. (2008). *History of Bank Shahshahi of Iran*. Tehran: Institute of Monetary and Banking Research. (In Persian)
- SharifiSa'i, M.H. (2021). Women's movement and art of resistance in the constitutional era. *Quarterly Journal of Social Studies and Research in Iran*, 11(43), 789-832. (In Persian)
- Shuster, M. (1972). *Strangling of Persia* (2nd ed.). Translated by: A. Mousavi Shushtri. Tehran: Safi Ali Shah Press Company. (In Persian)
- Tatari, A., & Turkchi, F. (2011). *Documents of women during the constitutional period (second and third term of the National Assembly)*. Tehran: Library, Museum and Document Center of the Islamic Council. (In Persian)
- Tilly, C. (2015). *From Mobilization to Revolution*. A. Murshidizad. Tehran: Imam Khomeini and Islamic Revolution Research School. (In Persian)